

مطالعات حقوق تطبیقی
دوره ۵، شماره ۲،
پاییز و زمستان ۱۳۹۳
صفحات ۲۸۷ تا ۳۱۶

مبنای مسئولیت مدنی ناشی از محصولات غذایی اصلاح شده ژنتیکی (تراریخته)

(مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی)

سعید بیگدلی

استاد یار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه زنجان

امین بدیع صنایع اصفهانی*

دانشجوی دکترای حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (ره)
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱۸)

چکیده

یکی از پاسخ‌ها به نیاز روزافزون مواد غذایی جامعه جهانی، تولید محصولات تراریخته است. استفاده از این محصولات و گسترش آن، با وجود مزایا و منافعش، چالش‌ها و مسائلی را نیز به همراه دارد. ویژگی منحصر به فرد این نوع از محصولات و آثار زیست‌محیطی و انسانی آن، اهمیت بحث در این زمینه را دوچندان کرده است. از چالش‌های حقوقی در این زمینه، تعیین مبنای مسئولیت مدنی ناشی از این محصولات است که اختلاف‌نظرهایی نیز در اسناد بین‌المللی و نظام‌های حقوقی به دنبال داشته است. از اسناد بین‌المللی موجود می‌توان به پروتکل ایمنی- زیستی کارتاهانا اشاره کرد که ایران در سال ۱۳۸۲ به طور رسمی به آن ملحق شده، و نیز پروتکل الحاقی ناگویا- کوالامپور که در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از این نوع محصولات تدوین گردیده است. در این نوشته، با توجه به تعیین نشدن تکلیف صریح مقررات داخلی، تلاش شده است ضمن یافتن مبنای متناسب با حقوق ایران، وضعیت این مسئله در اسناد بین‌المللی مرتبط معرفی شود. با بررسی اسناد بین‌المللی و دیدگاه‌های مختلف در حقوق ایران به نظر می‌رسد که مسئولیت محض، مبنایی متناسب با حقوق ایران و اسناد بین‌المللی باشد.

واژگان کلیدی

پروتکل ایمنی- زیستی کارتاهانا، پروتکل ناگویا- کوالامپور، مبنای مسئولیت، محصولات تراریخته، مسئولیت محض.

bigdeli@znu.ac.ir
badiee129@gmail.com

*نویسنده مسئول فاکس: ۰۲۱ - ۸۴۰۸۳۴۲۹

مقدمه

افزایش جمعیت جهان و نیازمندی به تولید بیشتر محصولات کشاورزی باعث افکار جدید و ابتکارات نویی شده است. از جمله این ابداعات و تلاش‌ها، انجام تغییرات و اصلاحات ژنتیکی در گیاهان و محصولات غذایی است؛ محصولاتی که مهندسی شده یا اصلاح شده ژنتیکی (تراریخته) (Genetically Modified) نامیده می‌شوند. استفاده از زیست‌فناوری (Biotechnology) برای تولید مواد غذایی تراریخته (Genetically Modified Food)، فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی برای انسان به وجود آورده است. از سویی، افزایش نیازمندی بشر به تولیدات کشاورزی است که پژوهش‌ها نشان می‌دهد در بیست سال آینده باید نزدیک به دو برابر محصولات موجود فعلی افزایش یابند (صالحی‌جوزانی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۲۵) و همین، استفاده از آن را گریزناپذیر ساخته است و از سوی دیگر، مخاطرات جدی که در نتیجه تولید این محصولات ایجاد می‌شود، نگرانی‌هایی جدی را برای حفظ محیط زیست و حقوق مصرف‌کنندگان این محصولات ایجاد کرده است. حساسیت‌زایی (Lemaux, 2008, p.771-812; Uzogara, 2000, p.179-206)، کاهش کیفیت تغذیه‌ای مواد غذایی (Rich, 2004, p.896; Hug, 2008, p.88-99)، مقاومت نسبت به آنتی بیوتیک‌ها (Rich, 2004, p.896)، انتقال ژن این محصولات به گیاهان وحشی (Rich, 2004, p.896)، احتمال انتقال سموم و ویروس‌های ناشناخته به افراد (صالحی‌جوزانی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۴۹؛ هاشمی و شجاع‌الساداتی، ۱۳۸۷، ص ۹۴)، کاهش تنوع زیستی (Repp, 2000, p.592)، ایجاد آلودگی در زمین‌های مجاور (Jones, 2002, p.631) و ایجاد علف‌های هرز مقاوم به علف‌کش‌ها (Repp, 2000, p.597)، از جمله این نگرانی‌هاست. اینکه فرآورده‌ای بتواند هم‌زمان خساراتی زیست‌محیطی، بدنی و مالی ایجاد نماید، به ندرت قابل مشاهده است؛ با این‌همه، در خصوص این موضوع چنین خطری حتمی است. به همین دلیل، تعیین مبنای مسئولیت در این نوع خسارات، با این هدف که بتواند انواع خسارات وارده را جبران نماید، بحثی دارای اهمیت است.

افزون‌براین، در تعریف دیگری از محصولات تراریخته این‌گونه بیان شده که «محصولات تراریخته^۱ موجود زنده تراریخته یا ترکیبات غذایی یا علوفه‌ای است که در تولید آن‌ها از موجودات زنده تراریخته استفاده شده است» (مهاجر و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۳۵).

1 . Transgenic products

از دیدگاه نویسندگان حقوقی، مبنای مسئولیت، فلسفه مسئولیت و نیروی توجیه‌کننده آن (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۳۴ و ۳۵؛ بادینی، ۱۳۸۴، ص ۵۲) و به بیان دیگر علت وضع قواعد و سنجش سود و زیان اجتماعی، پیدا کردن طرح بهتری است که بتواند منافع اجتماعی افراد را تأمین کند (امامی، ۱۳۸۷، ص ۱؛ حکمت‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۶۴).

در نظام حقوقی کامن‌لا عده‌ای از حقوق‌دانان بر این عقیده‌اند که قواعد کامن‌لا برای مسئولیت ناشی از محصولات تراریخته کفایت نمی‌کند و ایجاد یک رژیم خاص در این حوزه احساس می‌شود (Mitchell, 2004, p.7).

به‌طور کلی برای تشخیص نیازمندی محصولات تراریخته به رژیم حقوقی مستقل و خاص و یا بی‌نیازی آن، نخست باید منحصر به فرد بودن محصولات تراریخته بررسی شود.

در نوشته‌هایی که به موضوع لزوم تعیین رژیم حقوقی مستقل در خصوص محصولات تراریخته پرداخته‌اند، خطرها و ریسک‌های آن را مبنا قرار داده، به این وسیله در صد بیان منحصر به فرد بودن آن هستند.

در بسیاری از کشورها به منحصر به فرد بودن این محصولات توجه شده و دریافته‌اند که قوانین و قواعد سنتی موجود پاسخ‌گوی مشکلات حقوقی به‌وجود آمده از طریق تولید این محصولات نیست. از جمله این کشورها نیوزیلند است که به دلایلی همچون دشواری ارزیابی و برآورد میزان ریسک، خسارات بالقوه، جبران‌ناپذیری آسیب‌ها یا ایجاد تأثیرات منفی در طبیعت، به چنین نتیجه‌ای رسیده است (Mitchell, 2004, p.8).

بسیاری از حقوق‌دانان کامن‌لا بر این اعتقادند که با توجه به اینکه قواعد موجود در کامن‌لا از یک طرف بر روی منافع حاصل از اموال و تمامیت آن تمرکز نموده، از طرف دیگر منافع محیطی را در نظر نمی‌گیرد و بسیاری از آسیب‌های ناشی از محصولات تراریخته را پوشش نمی‌دهد (Mitchell, 2004, p.9).

بعضی از کشورها مانند کانادا و استرالیا رویه قضایی خود را برای دعاوی مطروحه در خصوص محصولات تراریخته کافی می‌دانند، ولی در مقابل بسیاری از کشورها و نهادهای بین‌المللی با شناخت منحصر به فرد بودن مواد تراریخته و محدودیت‌های روبه‌های قضایی و کامن‌لای موجود، به توسعه نظام قانون‌گذاری خاص تراریخته روی آورده‌اند.

برخلاف نظر برخی از حقوق‌دانان که بر این اعتقادند که بیشتر مسئولیت‌های خاص

را می‌توان با نظریه استناد عرفی پاسخگو بود (باریکلو، ۱۳۸۷، ص ۹۶-۱۲۲)، بسیاری از حقوق‌دانان نیز مبنای اصلی مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران را تقصیر دانسته، بر این باورند که در مصادیق استثنایی اصل مبتنی بودن مسئولیت مدنی بر تقصیر و همچنین اصل شخصی بودن مسئولیت مدنی تخصیص خورده است که در این مصداق خاص است که می‌توان عنوان رژیم خاص مسئولیت و مسئولیت ویژه را به معنای حقیقی در نظر گرفت (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۷-۲۲۸).

به‌هرحال از جمله دلایلی که می‌توان برای لزوم تعیین رژیم خاص مسئولیت در خصوص محصولات تراریخته اشاره نمود، مخاطرات و نوع خساراتی است که در نتیجه تولید و توزیع این محصولات وجود دارد؛ ضررهایی که هم شامل خسارت انسانی و هم شامل خسارت زیست‌محیطی می‌شود و این ویژگی در محصولات و یا کالاهای دیگر کمتر دیده شده است.

افزون‌براین، مشکلات استفاده از مبانی عمومی مسئولیت، از جمله لزوم حمایت از مصرف‌کننده، مشکل بودن اثبات تقصیر، محرز نبودن تمام مضرات و عیوب این محصولات و همچنین مشکل بودن تعیین فاعل زیان‌بار، می‌تواند از جمله مصادیقی باشد که لزوم تعیین رژیم خاص مسئولیت برای این محصولات را دو چندان می‌کند. در ادامه، به‌طور مبسوط به مبنای مسئولیت در نظام حقوقی ایران و تکافوی آن برای جبران خسارات ناشی از محصولات تراریخته پرداخته خواهد شد. اما پیش از آن، مبنای مسئولیت راجع به این محصولات در اسناد بین‌المللی بررسی می‌شود.

مبنای مسئولیت مدنی محصولات تراریخته در اسناد بین‌المللی

از آنجا که در اسناد بین‌المللی موجود تنها پروتکل ایمنی- زیستی کارتاگنا^۲ و نیز پروتکل الحاقی ناگویا- کوالامپور به محصولات تراریخته اختصاص دارد، بنابراین در دو بند مستقل به بررسی مبنای اتخاذ شده برای مسئولیت ناشی از محصولات تراریخته در این دو پروتکل خواهیم پرداخت:

۱. پروتکل ایمنی- زیستی کارتاگنا

اولین قانون‌گذاری درباره محصولات تراریخته به دهه ۱۹۹۰ میلادی مربوط می‌شود

2. Cartagena protocol on biosafety, available at : www.un.org/millenniumlaw/cartagena.htm

(صفایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۳۷)، ولی در عرصه جهانی، کنوانسیون بین‌المللی تنوع زیستی ۱۹۹۲ م ریودوژانیرو اولین اراده بین‌المللی درباره این موضوع است. این کنوانسیون که زمینه را برای انعقاد پروتکل کارتاها در سال ۲۰۰۰ م آماده ساخت، در ماده ۱۹ از کشورهای عضو دعوت کرد تا نیاز به داشتن یک پروتکل و نحوه تدوین آن در خصوص انتقال و استفاده از موجودات زنده تراریخته‌ای را که ممکن است دارای تأثیر سوئی بر حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی باشد، ملاحظه نمایند (قره‌یاضی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۳۶). در اجرای این پروتکل، سرانجام پروتکل کارتاها در سال ۲۰۰۰ م تصویب و از سال ۲۰۰۳ م به اجرا گذاشته شد (Clive, 2009, p.59) و ایران نیز در سال ۱۳۸۲ ش با تصویب مجلس شورای اسلامی به آن پیوست. هدف اصلی این پروتکل، کمک و همیاری در جهت تضمین سطح مناسب حفاظت در زمینه انتقال، به‌کارگیری و استفاده ایمن از موجودات زنده اصلاح‌شده ژنتیکی یا تراریخته است. تنها ماده‌ای که در این پروتکل درباره خسارات ناشی از این موجودات و مسئولیت آن سخن به میان آورده، ماده ۲۷ است که با عنوان «مسئولیت و جبران خسارت» به کشورهای عضو تأکید می‌کند که بایستی قوانین لازم برای جبران خسارت ناشی از نقل و انتقال آزادانه و فرامرزی این محصولات تدوین گردد.

در ترجمه ماده ۲۷ پروتکل کارتاها که مصوب مجلس شورای اسلامی نیز می‌باشد، آمده است:

«فراهمائی اعضاء که به‌عنوان اجلاس اعضاء این پروتکل فعالیت می‌کند باید در اولین اجلاس خود فرآیندی را در خصوص جزئیات مناسب قواعد و روش‌های بین‌المللی در زمینه تعهد و جبران خسارت ناشی از نقل و انتقالات برون‌مرزی موجودات زنده تغییرشکل یافته تجزیه و تحلیل نموده و توجه لازم به فرآیندهای در حال توسعه در حقوق بین‌الملل در خصوص این مطالب اتخاذ کرده و در جهت تکمیل این فرآیند ظرف مدت چهار سال، تلاش خواهد کرد»^۳.

همان‌طور که مشاهده شد، این ماده صرفاً لزوم تهیه و تدوین قواعد و روش‌های

3. The Conference of the Parties serving as the meeting of the Parties to this Protocol shall, at its first meeting, adopt a process with respect to the appropriate elaboration of international rules and procedures in the field of liability and redress for damage resulting from transboundary movements of living modified organisms, analysing and taking due account of the ongoing processes in international law on these matters, and shall endeavour to complete this process within four years.

مسئولیت ناشی از نقل و انتقال برون مرزی محصولات تراریخته را بیان نموده است و در صدد بیان و تأیید مبنا و نظریه‌ای دربارهٔ مسئولیت نیست؛ درحقیقت، بحث از نظام مسئولیت و راه‌های جبران خسارات به آینده موکول شده است.

لیکن در تفسیر این ماده نیز میان حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد؛ به این صورت که عده‌ای قائل به تفسیر هستند که اشخاص حقیقی و حقوقی در صورت ایجاد خسارت، خود مسئول می‌باشند، نه دولت متبوع آن‌ها، و در مقابل نیز عده‌ای برخلاف این تفسیر بر این باورند که دولت‌ها به‌عنوان اعضای پروتکل کارتاها، تعهدات و مسئولیت جبران خسارت را پذیرفته‌اند، به این دلیل در صورت ایجاد خسارت از سوی اتباع هر کشوری به کشور دیگر، دولت آن کشور مسئول خواهد بود (داراب‌پور، ۱۳۸۹، ص ۴۷).

هرچند این اختلاف نظرها وجود داشت، ولی با تصویب پروتکل الحاقی ناگویا_ کوالاامپور، به نظر می‌رسد، مقصود اصلی نیز از وضع مسئولیت تعیین شد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۲. پروتکل الحاقی ناگویا_ کوالاامپور

این پروتکل که در راستای اجرای ماده ۲۷ پروتکل کارتاها در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۰ به تصویب رسید، تا زمان نگارش اثر هنوز وارد فاز اجرایی خود نشد و ایران نیز به‌طور رسمی به آن نپیوست و تنها آن را امضا کرد. ولی با تحقیق صورت گرفته و قرائن متقن به نظر می‌رسد ایران نیز به آن ملحق خواهد شد؛ پس می‌تواند به‌عنوان یک مبنا در مباحث محصولات تراریخته مطرح شود.

یکی از اهداف این پروتکل، فراهم آوردن قوانین بین‌المللی و روش‌هایی در زمینهٔ مسئولیت و جبران خسارت ناشی از موجودات زنده اصلاح‌شده ژنتیکی است؛ در نتیجه می‌توان توافق بین‌المللی کشورها در زمینهٔ مبنای مسئولیت در حوزهٔ موجودات تراریخته را در این پروتکل جستجو کرد.

یکی از مهم‌ترین مواد این پروتکل که می‌توان آن را گام مهمی در زمینهٔ یکسان‌سازی مبانی مسئولیت در بحث‌های بین‌المللی قلمداد کرد، ماده ۴ می‌باشد که به این شرح است:

«مطابق با قوانین داخلی بایستی یک رابطهٔ سببی بین خسارت و موجود زندهٔ اصلاح‌شده ژنتیکی مورد سؤال، برقرار گردد»^۴.

4 . A causal link shall be established between the damage and the living modified organism in question in accordance with domestic law.

مطابق با این ماده باید میان ضرر ایجادشده و موجودات تراریخته یک رابطه سببیت وجود داشته باشد. لزوم وجود این رابطه تا حدی است که در این پروتکل یک ماده را به خود اختصاص داده و در صدد بیان شرط اصلی مسئولیت مدنی در این حوزه است.

بند دوم ماده ۵ این پروتکل نیز بیان می‌دارد:

«مرجع صلاحیت‌دار بایستی: الف- اپراتور یا متصدی که باعث ایجاد خسارت شده است را شناسایی نماید. ب- خسارت را ارزیابی و ج- اقدامات مقابله‌ای که توسط اپراتور یا متصدی باید انجام شود را تعیین نماید»^۵.

درحقیقت این بند به این نکته اشاره دارد که مرجع صلاحیت‌دار در هر کشور باید متصدی و شخصی را که عامل زیان است تعیین نماید و تعیین این شخص نیز با استفاده از نکته‌ای است که در ماده ۴ بیان شد؛ یعنی احراز رابطه سببیت^۶.

پس می‌توان گفت که در این پروتکل تنها نکته اساسی و مهم برای تشخیص شخص مسئول، احراز رابطه سببیت میان شخص مسئول یا متصدی و خسارت ایجادشده است. درنتیجه، همین نکته ما را به این مطلب سوق می‌دهد که مبنای اتخاذشده در این پروتکل، این است که صرف ایجاد و احراز چنین رابطه سببیتی برای مسئول شناختن شخص کافی است و این به مسئولیت محض و استناد عرفی بسیار نزدیک است.

5. The competent authority shall: Identify the operator which has caused the damage; Evaluate the damage; and Determine which response measures should be taken by the operator.

۶. این نکته را نیز باید مد نظر داشت که در ماده ۷ مقرراتی برای مقابله و جبران خسارت آمده است که باید درنهایت براساس قانون داخلی حل و فصل گردد. در اینجا هم مانند خسارات مربوط به حوادث اتمی، اپراتور مسئول شناخته شده تا در موقع خطر (یا احتمال قریب‌الوقوع آن) دولت‌های عضو از او بخواهند؛ ۱. فوراً مراتب را به مقامات صالحه گزارش نماید؛ ۲. خسارات (یا خسارات قریب‌الوقوع) را ارزیابی کند؛ ۳. اقدامات شایسته مناسب را برای مقابله با آنها معمول دارد. و از مقامات صالحه هم خواسته شده است تا: اپراتوری را که باعث ورود ضرر واقعی یا قریب‌الوقوع شده است، شناسایی و معرفی کند، از خسارات وارده یا قریب‌الوقوع ارزیابی داشته باشد و اقداماتی را که اپراتور باید در مقابله با آن انجام دهد، تبیین کند و چنانچه اپراتور مذکور اقدامی نکرد، خود دولت به مقابله با آن بپردازد. مقامات صالحه حق دارند هزینه‌ها و خسارات و نیز هزینه‌های جانبی برای ارزیابی خسارات و اقدامات لازم برای جلوگیری از ورود ضرر و یا مقابله با آن را از اپراتور وصول کنند. دولت‌ها می‌توانند اپراتور را در برخی زمینه‌ها از پرداخت هزینه‌ها و خسارات معاف دارند. حقوق داخلی باید خسارات را معین کند و حق اعتراض به مقامات اداری و تجدیدنظر قضایی هم باید به محکومان داده شود. ماده ۸ این پروتکل نیز در خصوص محدودیت‌های مالی بیان می‌دارد: اعضا می‌توانند برای جبران هزینه‌ها و مخارج مالی مربوط به اقدامات مقابله‌ای، در قوانین داخلی خود حدود مالی تعیین نمایند.

از دلایل دیگری که برای تأیید این مطلب می‌توان به آن اشاره کرد این است که در تمام مباحث مسئولیت که در این پروتکل به آن پرداخته شده، از قصور و یا بی‌احتیاطی و یا تقصیر شخص مسئول سخن به میان نیامده و تنها به احراز رابطه سببیت تأکید شده است. تأکید بر این رابطه از یکسو و ضرورت شناسایی اپراتور از سوی دیگر، بی‌آنکه کوچک‌ترین اشاره‌ای به تقصیر یا قصور و بی‌احتیاطی یا عناوین مشابه شود، می‌تواند تأییدی بر نظریه «مسئولیت مطلق» نیز باشد. نظریه‌ای که در حال قائل به مسئولیت عامل است. باوجود این ظاهر، دقت در جمیع مواد مرتبط این ذهنیت را مخدوش می‌سازد؛ چراکه در ماده ۶ این پروتکل، با عنوان «معافیت‌ها» به این مطلب اشاره شده است:

«اعضاء می‌توانند در قوانین داخلی کشورشان، معافیت‌ها را به شرح ذیل ارائه نمایند: الف) حوادث طبیعی یا غیرقابل پیش‌بینی و ب) جنگ یا آشوب‌های مدنی؛ همچنین، اعضاء می‌توانند در قوانین داخلی کشورشان معافیت‌های دیگر یا کاستی‌هایی را که آنها ممکن است مستعد بدانند را ارائه نمایند»^۷.

در نتیجه با این بیان می‌توان گفت مسئولیتی که این پروتکل به آن اشاره دارد، برخلاف «مسئولیت مطلق»، محدود است و در صورتی که برای مثال، آن خسارت غیرقابل پیش‌بینی و یا ناشی از حوادث طبیعی و به عبارت دیگر فورس ماژور (قوة قاهره) باشد، شخص متصدی (عامل یا اپراتور) معاف از مسئولیت است.

مسئولیت به این مفهوم (که در ادامه مقاله از آن بیشتر سخن گفته خواهد شد)، به نظر همان مبنای مسئولیت محض می‌باشد. در مسئولیت محض که مسئولیتی استثنایی است، قانون‌گذار محدوده شمول آن را تعریف می‌کند و بی‌آنکه نیازی به تقصیر و اثبات آن باشد، عامل مسئول تلقی می‌شود و حتی اثبات رعایت تمامی احتیاط‌ها و استفاده از دانش و تجربه و تجهیزات و بی‌تقصیری نیز وی را از مسئولیت معاف نمی‌کند.

در نتیجه، با بررسی و مذاقه در این دو پروتکل آنچه مقرون به واقع می‌باشد، اثنای مسئولیت بر محور نظریه مسئولیت محض است.

7. Parties may provide, in their domestic law, for the following exemptions: Act of God or force majeure; and Act of war or civil unrest. Parties may provide, in their domestic law, for any other exemptions or mitigations as they may deem fit.

مبنای مسئولیت مدنی در ایران

همان‌طور که در بخش قبل بیان شد، عمده خسارات ناشی از محصولات تراریخته، خسارات ناشی از عیب تولید و خسارات زیست‌محیطی می‌باشد. بنابراین لازم است که مبنای مسئولیت در حقوق ایران در هریک از این نوع خسارات به‌طور مجزا بررسی شود. از آنجا که مسئولیت نسبت به جبران خسارات زیست‌محیطی، با مفهوم «مسئولیت مدنی» کاملاً منطبق نیست، ضرورتاً آنچه در خصوص نتیجه عیب محصولات تراریخته نسبت به اشخاص مطرح می‌شود قابل سرایت به خسارات زیستی آن نخواهد بود. بنابراین پرداختن به آن بحث مستقلی می‌طلبد. با این‌همه برای اینکه رویکرد کلی حقوق ایران درباره نتایج مسئولیت تولید محصولات تراریخته روشن شود، در پایان و پس از مباحث مربوط به خسارات شخصی ناشی از عیب تولید، در بخش «نتیجه»، به برخورد کلی نظام حقوقی ایران با موضوع یادشده نیز اشاره خواهد شد.

مسئولیت ناشی از عیب کالا به‌عنوان شاخه‌ای از مسئولیت مدنی، از حیث مبنا سیری تکاملی را پیموده و واکنش‌های متفاوتی را در سیر تاریخی خود به‌همراه داشته است که از مسئولیت کیفری و بعد از آن مسئولیت قراردادی شروع می‌شود و به مسئولیت غیرقراردادی می‌انجامد.

در این قسمت سعی خواهد شد تا انواع واکنش‌ها و مبانی موجود در زمینه این نوع از خسارت بررسی شود:

۱. مسئولیت قراردادی

قاعده سنتی این است که اگر کسی کالایی را به دیگری بفروشد و در آن عیبی باشد، خریدار حق دارد یا قرارداد را فسخ کند و یا ارزش بگیرد. این قاعده در ماده ۴۲۲ قانون مدنی ایران به این شرح بیان شده است: در صورتی که مبیع عین معین باشد، زیان‌دیده حق فسخ معامله یا مطالبه ارزش کالای معیوب و ناسالم را دارد. این قاعده در قدیم نیازها را رفع می‌کرد، ولی امروزه به دلیل صنعتی شدن جوامع، ناقص به‌نظر می‌رسد، زیرا اولاً مسئولیت را به خریداران و فروشندگان محدود می‌کند و شخص ثالث از آن سودی نمی‌برد؛ مگر اینکه شخص ثالث قائم‌مقام خریدار باشد. دوم اینکه خسارت‌هایی که از کالای معیوب به شخص وارد می‌شود، محدود به تفاوت قیمت نیست.

این مسئولیت یک نوع مسئولیت قراردادی است که از قرارداد منتج می‌شود. در نتیجه، مسئولیت تولیدکننده در مرز قلمرو خصوصی قرارداد متوقف مانده، کاهش

می‌یابد. زیان ناشی از ضمان عیب کالا نیز قابل پیش‌بینی و محاسبه است و تولیدکننده و عرضه‌کننده کالا می‌توانند حساب دخل و خرج و سرمایه و سود و مسئولیت خود را با اطمینان در دسترس داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۴).

بر اساس این قرارداد و اصل نسبیت قراردادی، زیان‌دیده‌ای که طرف قرارداد با تولیدکننده نیست نمی‌تواند علیه وی اقامه دعوا کند؛ حتی اگر علت حادثه تقصیر تولیدکننده باشد، زیرا قرارداد صرفاً نسبت به اشخاصی مؤثر است که آن را تشکیل داده‌اند، نه اشخاص ثالث. در قرارداد، تنها خریدار و فروشنده مستقیم در مقابل یکدیگر مسئول‌اند.

اشکال مسئولیت قراردادی در این است که اگر در قراردادی به‌صراحت شرط عدم مسئولیت قید شود، تقصیر قراردادی (پیمان‌شکنی) نیز پایه مفروض خود را از دست می‌دهد و این شرط معتبر خواهد بود. از نظر قلمرو نیز مسئولیت قراردادی برای حمایت اشخاص در برابر عیب تولید کافی نیست، زیرا در گسترده‌ترین نظریه‌ها نیز تعهد ضمنی فروشنده محدود به مصرف‌کنندگان کالا یا کسانی است که در زنجیره قراردادی جایی دارند و به‌گونه‌ای، مستقیم یا باواسطه، در تراضی با فروشنده ارتباط دارند، ولی از دیگران حمایت نمی‌کند؛ درحالی که اشخاص ثالث استحقاق بیشتری دارند، چراکه مصرف‌کننده از مزایای تولید بهره‌مند می‌شود، اما ثالث بی‌گناه هم در این راستا بهره‌ای نمی‌برد و هم خسارت می‌بیند.

در حقوق سنتی کشورهای دیگر هم مسئولیت فروشنده ریشه قراردادی داشته و محدود به رابطه خریدار و فروشنده بوده است؛ یعنی تولیدکننده تمام هزینه‌های تولید معیوب را نمی‌پردازد و ضمان او هم به جبران خسارات نخستین مصرف‌کننده که از عیب صدمه‌دیده بود، محدود می‌شد. طبعاً آخرین مصرف‌کننده از پوشش این ضمان قراردادی بیرون می‌ماند و این وضعیت کاملاً به سود تولیدکنندگان بود؛ از این‌رو دیری نپایید که نیاز به شکستن مبنای قراردادی و گذر از آن احساس شد (بزرگمهر، ۱۳۸۵، ص ۴۰).

مسئولیت قراردادی را در یک تقسیم‌بندی ساده می‌توان در دو حالت دانست: در برابر خریدار اول، و در برابر مصرف‌کننده نهایی، که در ادامه به توضیح این دو موضوع خواهیم پرداخت:

۱.۱. در برابر خریدار اول

مسئولیت قراردادی در برابر خریدار اول، وابسته به قراردادی است که میان خریدار و فروشنده منعقد می‌شود. در این حالت، دو فرض قابل تصور است: یکی اینکه طرفین قرارداد به طور صریح شرط سلامت و ایمنی کالا را در قرارداد تصریح نمایند، و دیگر اینکه شرط سلامت و ایمنی کالا به صراحت در قرارداد نیامده باشد. در ادامه هریک از این دو فرض بررسی خواهد شد:

الف) شرط صریح سلامت کالا

در این فرض طرفین قرارداد (خریدار و فروشنده) به صراحت توافق می‌نمایند که کالای خریداری شده دارای سلامت و ایمنی کافی باشد. در نتیجه در صورتی که کالای خریداری شده از سوی خریدار معیوب باشد، شخص خریدار به راحتی می‌تواند با استناد به خیار تخلف از شرط، بدون اثبات تقصیر و یا بی‌احتیاطی فروشنده، قرارداد را فسخ نماید.

ب) شرط ضمنی سلامت کالا

شرط سلامت کالا ممکن است به طور ضمنی در قرارداد مطرح شود. شرط ضمنی برای اموری به کار می‌رود که مدلول التزامی الفاظ قرارداد است یا به حکم عقل یا قانون یا عرف لازمه مفاد توافق یا طبیعت قرارداد است (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ب، ج ۳، ص ۱۱۹). در مباحث خرید و فروش کالا بیشتر حقوق دانان شرط «تضمین ایمنی مبیع» را مدلول عرفی عقد دانسته‌اند؛ با این توضیح که حتی اگر عقد بدون هیچ گونه شرطی واقع شود، اطلاق عقد ضرورت سلامت مبیع را از عیوب نهفته اقتضا می‌کند. انسان متعارف و معقول، مال خود را در برابر شیء سالم می‌پردازد؛ پس همواره تضمین ایمنی مبیع به صورت شرط ضمنی برعهده فروشنده است.

تقریباً همه فقها اعتقاد دارند مبنای خیار عیب، رضای ضمنی طرفین است؛ یعنی وقتی کسی کالایی را به دیگری می‌فروشد، فرض بر این است که کالای سالم می‌فروشد و اگر خلاف آن ثابت شود، حق فسخ دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، الف، ص ۳۳۴). تضمین ایمنی مبیع شرطی است ضمنی که در کشورهای کامن‌لا به «تضمین

عرضه پذیر بودن کالا به بازار^۸ مشهور است. به موجب آن، خریدار زیان دیده از کالای معیوب می تواند خسارت خویش را بدون اثبات تقصیر فروشنده از وی مطالبه کند و تنها اثبات این امر به عهده خریدار است که کالا عرفاً سالم محسوب نمی شود. در عرف دادوستد، انتظار خریدار این است که کالای سالم بخرد و فروشنده نیز با تبلیغ اوصاف فرآورده خود، هم به این انتظار دامن می زند؛ پس اگر عیبی در آن ظاهر شود و ضرری به بار آید، فرض بر این است که فروشنده به تعهد خود وفا نکرده و مرتکب تقصیر قراردادی (پیمان شکنی) شده است و نیازی به اثبات این تقصیر نیست. تعهد ضمنی پایه این مینا، در آغاز محدود به دو طرف قرارداد، سپس در برابر هر مصرف کننده دور و نزدیک پذیرفته شد تا کارایی لازم را بیابد (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۸۵).

در خصوص ماهیت این تعهد نیز می توان چنین گفت که تعهد فروشنده به ایمنی کالا می تواند تعهد به نتیجه باشد یا تعهد به وسیله. بدیهی است فایده چنین تفکیکی در مرحله اثباتی ظاهر می شود. اگر تعهد به ایمنی را تعهدی به نتیجه برای فروشنده بدانیم، کافی است خریدار عدم حصول نتیجه را اثبات کند و لازم نیست که برای تقصیر متعهد نیز استدلال بیاورد. فروشنده ای که متعهد به نتیجه است فقط در صورتی مجبور به جبران خسارت نمی شود که ثابت کند عدم حصول نتیجه ناشی از علتی غیرقابل پیش بینی و غیرقابل احتراز بوده است که نمی توان به فروشنده مربوط کرد^۹؛ اما چنانچه تعهد فروشنده را تعهد به وسیله بدانیم، صرف عدم حصول نتیجه برای محکوم کردن متعهد به جبران خسارت کافی نیست، بلکه تقصیر متعهد در انجام ندادن تعهد باید اثبات شود (بزرگمهر، ۱۳۸۵، ص ۴۱). درحقیقت هنگامی که شخصی کالایی را تبلیغ و به بازار عرضه می کند، درواقع سلامت آن را تضمین کرده، و این تضمین تعهد به نتیجه است و نه وسیله. در این صورت مدعی نیازی به اثبات تقصیر متعهد ندارد، زیرا نقض عهد خود تقصیر است و سبب ضمان (کاتوزیان، ۱۳۸۷ الف، ص ۳۳۴).

۲.۱. در برابر مصرف کننده نهایی

مسئولیت قراردادی ممکن است برای مصرف کننده نهایی نیز فرض شود. در این نظریه، شخص مصرف کننده می تواند به مسئولیت قراردادی استناد کرده، مطالبه خسارت نماید. این مطالبه می تواند با یکی از دو نظریه زیر محقق شود:

8. Implied warranty of merchantability.

۹. ماده ۲۲۷ قانون مدنی

الف) تضمین در برابر آخرین مصرف کننده

می‌دانیم که هر فروشنده در قرارداد فروش، به‌طور ضمنی تعهد می‌نماید که کالایش از ایمنی مطلوبی برای بهره‌بردار و استفاده خریدار برخوردار باشد. برای اینکه آخرین مصرف کننده که رابطه قراردادی با تولیدکننده ندارد نیز از این نوع تضمین برخوردار شود و از زیر بار مسئولیت رها شود، حقوق دانان اروپایی و امریکایی و نیز برخی از استادان حقوق (کاتوزیان، ۱۳۸۷ج، ص ۲۵۱) با استناد به رویه قضایی ایران، این تضمین را گسترش داده و اعلام کرده‌اند که تولیدکننده تنها در برابر خریدار مستقیم خود ایمنی کالا را تضمین نمی‌کند، بلکه این تضمین در قبال عموم مصرف کنندگان کالا است. بر مبنای این تضمین، تولیدکننده به‌طور ضمنی متعهد است که کالایش برای استفاده آخرین مصرف کننده نیز مناسب باشد.

در خصوص این نظریه اشکالاتی مطرح شده است؛ از جمله:

- مفهوم تضمین از قرارداد غیرقابل تفکیک است و این تعهد ضمنی ناگزیر است که در ضمن عقدی برعهده گرفته شود. در واقع بایستی مصرف کننده بر اظهارات تولیدکننده اعتماد کرده باشد. در نتیجه، این امر در جایی که نه خواننده، خواهان را می‌شناسد و نه خواهان به تضمین توجهی دارد، به‌سادگی پذیرفته نیست.
- بر طبق این مبنا، کسی که اساساً قصد ندارد از کالا استفاده کند و صرفاً به دلیل وجود کالای معیوب آسیب دیده است، چگونه می‌تواند بر مبنای تعهد ضمنی، جبران خسارت خود را بخواهد؟

در واقع پرسشی که مطرح می‌شود این است که اگر ما این مبنا را بپذیریم، در خصوص شخص ثالثی که نه خریدار مستقیم است و نه مصرف کننده کالا، بلکه تنها شخصی است که از محلی عبور می‌کرده ولی به دلیل استفاده و مصرف شخص دیگری از کالا، دچار آسیب و خسارت شده است، اتخاذ چنین مبنایی برای حل مشکل و جبران خسارت شخص پاسخگو نخواهد بود. درحقیقت این شخص ثالث، نه قصد استفاده و استعمال کالا را داشته و نه اساساً به هیچ‌گونه تضمینی توجه داشته است.

- در این فرض، تولیدکننده می‌تواند با درج شرط عدم مسئولیت، تضمین خود را زایل کند و این برخلاف عدالت خواهد بود.

ب) دعوای مستقیم به قائم‌مقامی از دست پیشین

برخی از حقوق‌دانان، به شیوه استدلال فرانسویان، تعهد سلامت مبیع از عیوب را از توابع تعهد به تسلیم دانسته، با استناد به ماده ۳۸۳ قانون مدنی^{۱۰} بر این نظرند که در این حالت دیگر نیازی به احراز یک توافق ضمنی نخواهد بود، چراکه قانون‌گذار این تعهد را به قرارداد منسوب می‌کند و بنابراین حق اقامه دعوا به خریداران بعدی نیز منتقل می‌شود و در نتیجه آن‌ها از حق اقامه یک دعوای مستقیم قراردادی برخوردار می‌گردند (ایزائلو، ۱۳۸۶، ص ۲۸۰). در تأیید این سخن نیز بیان شده که در حقوق ایران حقی که برای مالک مفید است و دیگران هیچ نفعی از آن نمی‌برند و به این اعتبار برقرار می‌شود، در دید عرف از توابع ملک است و با آن انتقال می‌یابد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۵۶). به این ترتیب، حق طرح دعوا بابت جبران خسارات ناشی از عیب مبیع نیز با کالا درآمخته و تابع آن است و در آن مستحیل شده است؛ در نتیجه در زنجیره قراردادی بیع‌های پی‌درپی به همراه اصل کالا به خریدار بعدی منتقل شده، در نهایت شخص مصرف‌کننده نیز می‌تواند به قائم‌مقامی از دست پیشین خود، بر علیه فروشنده اصلی بابت خسارات ناشی از عیب کالا دعوای مستقیمی را مطرح نماید. به عبارتی، حق اقامه دعوی مستقیم می‌تواند به‌عنوان مسئولیت قراردادی فروشنده اصلی یا تولیدکننده کالا، در برابر مصرف‌کننده نهایی محسوب شود.

۲. مسئولیت غیرقراردادی

در خصوص مبنای مسئولیت ناشی از عیب تولید با ناکارآمدی مبنای مسئولیت قراردادی، و لزوم حمایت از حقوق مصرف‌کننده، مبنای غیرقراردادی نیز در حقوق ایران مطرح شده که اشاره به آنها ضروری است:

۱.۲. تقصیر

پس از مدتی، حقوق‌دانان برای حمایت از اشخاص ثالثی که خارج از طرفین قرارداد بودند، ولی از بابت کالای خرید و فروش شده زیان دیده‌اند، به مسئولیت قهری روی آورده، آن را به‌عنوان مبنا در این آسیب‌ها و خسارات قرار داده‌اند. طبق این استدلال، اگر تولیدکننده و فروشنده در تولید کالا و فروش آن، اقدامات احتیاطی مناسب را پیش

۱۰. ماده ۳۸۳ قانون مدنی: تسلیم باید شامل آن چیزی هم باشد که اجزا و توابع مبیع شمرده می‌شود.

نگیرند، مقصر محسوب می‌شوند. اقداماتی که به‌طور متعارف هر سازنده و فروشنده‌ای باید رعایت کند، برای نمونه دقت در ساختن فرآورده‌ها از مواد اولیه مناسب، آزمایش و بازرسی کالا، رعایت کردن اصول علمی و فنی، به‌کار گرفتن کارگران مجرب در تولید کالا، دادن هشدارها و راهنمایی‌های کافی، و دقت در بسته‌بندی کالا و به‌طور کلی رعایت استانداردها و ضوابطی است که به‌طور مشخص و متعارف برای هریک از شغل‌های تولیدی و تجاری وجود دارد. پس می‌توان گفت تقصیر عبارت است از رفتاری که از انسانی متعارف در وضعیت وقوع حادثه سرنمی‌زند (جعفری تبار، ۱۳۷۵، ص ۳۳-۳۲). البته در تعریف‌های دیگری که از اصطلاح تقصیر شده است، تقصیر را انجام کار و یا ترک فعلی در نظر می‌گیرند که اگر شخص متعارف و محتاط در شرایط بیرونی و اجتماعی عامل فعل زیان‌بار قرار گیرد، چنین عملی را انجام ندهد (باریکلو، ۱۳۸۷، ص ۴۹). بیشتر حقوق‌دانان این تعریف را پذیرفته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۲۹۶).

بنابراین در این نوع از دعوا که مبتنی بر تقصیر است، مصرف‌کننده زیان‌دیده با مشکلی بزرگ روبه‌روست و آن هم مشکل بار اثبات تقصیر و بی‌مبالاتی تولیدکننده است که طبق این مبنا، برعهده مصرف‌کننده و زیان‌دیده قرار دارد. این مشکل طبیعتاً در بسیاری از مواقع باعث انصراف زیان‌دیده از تعقیب دعوای خود می‌شود، چراکه اثبات تقصیر کار بسیار سختی است و معمولاً نیازمند تخصص خاصی است که اغلب مصرف‌کنندگان دارای چنین تخصص و آگاهی نیستند و تولیدکننده نیز به‌راحتی از این مسئولیت‌رهایی می‌یابد.

از اشکالات عمده و مهم این نظریه می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره نمود: نخست، همان‌طور که بیان شد، یکی از اساسی‌ترین مشکل این نظریه، بار اثبات تقصیر تولیدکننده است که زیان‌دیده باید بر مبنای قواعد عمومی مسئولیت، تقصیر خوانده را اثبات کند؛ یعنی رفتار نامعقولی را که سبب نزدیک یا متعارف خسارت شده به او نسبت دهد. همچنین هرگونه رفتار نامتعارف زیان‌دیده ممکن است مسئولیت خوانده را از بین ببرد یا کاهش دهد.

ولی برای حل این مشکل و برای رهایی زیان‌دیده از اثبات تقصیر و اصلاح نظریه تقصیر، حقوق‌دانان در گرایشی، استفاده از شرط بنایی را که پیش‌تر بیان شد مطرح نموده‌اند و این نوع بازگشت به مسئولیت قراردادی است. برخی دیگر، اماره قضایی آگاهی فروشنده از عیب و ارتکاب تقصیر را مبنا قرار داده‌اند تا با این تمهید قربانی حادثه را از اثبات تقصیر معاف سازند (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۸).

دوم، از جهت قلمرو نظریه تقصیر نیز حمایت قانون شامل اشخاصی می‌شود که قابل پیش‌بینی باشند؛ مانند رهگذری که از تصادم ماشین آسیب می‌بیند و در رانندگی قابل پیش‌بینی است.

سوم، در بسیاری از مواقع، هیچ تقصیری را نمی‌توان به تولیدکننده نسبت داد و با وجود این خساراتی به بار می‌آید که عدالت اقتضا دارد بر تولیدکننده، که سود حاصل از محیط خطرناک را می‌برد، تحمیل شود و قربانی بی‌گناه حادثه آسیب نبیند.

ذکر این نکته نیز لازم به نظر می‌رسد که قانون‌گذار در راستای تطبیق بعضی مصادیق با مبنای تقصیر و همچنین بازدارندگی بیشتر از وقوع خسارت، مسئولیت کیفری را نیز بر مسئولیت قهری اضافه نموده است؛ مانند قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴/۳/۲۹ و اصلاحات بعدی آن و قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶ش و اصلاحات سال ۱۳۵۳ش. این قوانین نمونه‌های آشکار استفاده از جنبه‌های کیفری در حمایت از امنیت و سلامت مصرف‌کننده است.

۲.۲. نظریه استناد عرفی

یکی دیگر از نظریه‌هایی که به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی مطرح شده، استناد عرفی انجام فعل به شخص مسئول است. قائلان به این مبنا بر این اعتقادند که همیشه فرد در مقابل عملکرد خود مسئول می‌باشد و این اصلی منطقی و عقلایی و عرفی است؛ در نتیجه هر فرد در مقابل اعمالی مسئول است که عرفاً به او منتسب است. این نظریه را می‌توان از صحیحۀ وارده از امام صادق (ع) استنباط نمود که می‌فرماید: «هرکس به مسلمین ضرری وارد نماید، مسئول و ضامن جبران آن است» و همان‌طور که در این عبارت دیده می‌شود، ضرر رساندن مقید به تقصیر نشده است (باریکلو، ۱۳۸۷، ص ۵۲).

ولی باید توجه کرد که عرف، یکی از راه‌های احراز استناد عرفی فعل به شخص را تقصیر می‌داند، ولی این به آن معنا نیست که تقصیر برای تحقق مسئولیت مدنی موضوعیت دارد، بلکه تقصیر در حقوق اسلامی، راهی برای احراز و کشف استناد عرفی فعل زیان‌بار به عامل آن می‌باشد (باریکلو، ۱۳۸۷، ص ۵۳).

برابر این نظر، برای احراز استناد عرفی با دوگونه فعل روبه‌رو هستیم؛ گروهی از افعال که رابطه آن‌ها با ضرر واردشده رابطه‌ای مستقیم است و به آن «اتلاف بالمباشرة» می‌گویند و گروهی دیگر که فعل با ضرر وارد شده رابطه غیرمستقیم دارد و آن را «اتلاف

بالتسبیب» می‌نامند. در گروه اول احتیاج به تشخیص و احراز استناد عرفی نیست، چراکه این رابطه محرز است؛ ولی در گروه دوم باید این رابطه عرفی احراز شود که می‌توان گفت یکی از راه‌های احراز این رابطه همان احراز تقصیر مرتکب می‌باشد. پس بر اساس این نظریه، می‌توان در خصوص عیب ناشی از تولید نیز از این مبنا استفاده کرد. درباره خسارات ناشی از عیب تولید که طبق این نظر عمدتاً مصادق اتلاف بالتسبیب می‌باشند، برای احراز رابطه سببیت باید از طریق احراز تقصیر اقدام نمود؛ در نتیجه مانند مبانی یادشده با مشکل بار اثبات برای مصرف‌کننده روبه‌رو می‌شویم. لیکن برای رفع این مشکل راه‌حل‌های متفاوتی مطرح شده است که می‌توان به استفاده از اماره‌های تقصیر اشاره نمود.

برای مثال در خصوص راه‌حل این نظریه نسبت به مشکل اثبات تقصیر در خسارات ناشی از عیب تولید می‌توان چنین استدلال کرد که در تولیدات، عیب کالا زمانی به‌وجود می‌آید که یا تولیدکننده از مواد اولیه نامرغوبی استفاده کرده و یا تکنولوژی ساخت آن کالا از سوی تولیدکننده دچار ایراد بوده است. در نتیجه می‌توان این فرض را برای تولیدکننده در نظر گرفت که اگر عیبی در کالا ایجاد شده باشد، یا مواد اولیه تولیدکننده مشکل داشته و یا خط تولید و تکنولوژی تولید آن دچار عیب بوده که باعث ایجاد این عیب و نقص در کالا و در نهایت ایجاد خسارت شده است؛ چراکه قاعدتاً اگر خط تولید و تکنولوژی تولیدکننده و مواد اولیه بی‌عیب بود، عیبی در کالا ایجاد نمی‌شد. عرف از یک کارخانه و تولیدکننده‌ای که دارای کارگرانی ماهر است و خط تولید و تکنولوژی و مواد اولیه آن نیز ایرادی ندارد، این انتظار را دارد که کالای تولیدشده معیوب نباشد. پس اگر مصرف‌کننده این کالا را معیوب دید، پس عرف می‌گوید که یکی از این مراحل تولید دچار این عیب شده است و اگر تولیدکننده ادعا دارد که این گونه نیست، اوست که باید معیوب بودن مواد اولیه و خط تولید خود را ثابت نماید. پس به این ترتیب بار اثبات برعهده تولیدکننده است، درحالی که ما مبنا را تغییر نداده‌ایم، بلکه تنها از نظر اثباتی تغییر ایجاد شده و از نظر ثبوتی، مبنا تغییر پیدا نکرده است (مصطفوی، ۱۳۸۹، ص ۳۹).

۳.۲. مسئولیت محض

همان‌طور که بیان شد برای رفع اشکالات نظریه تقصیر، حقوق‌دانان اصلاحاتی را نسبت به مفهوم سنتی تقصیر و اجرای قواعد عمومی مسئولیت مطرح نمودند، ولی به دلیل

ناکارآمدی این اصلاحات این نظریه کنار گذاشته شد (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۸۵). درحقیقت آخرین تمهید این است که در کنار استفاده از مسئولیت قهری و قراردادی، نوعی مسئولیت محض به وجود آید که به حکم قانون بر تولیدکننده یا تمام دست‌اندرکاران چرخه تولید، عرضه و فروش کالا تحمیل شود (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۸۵).

مشکلات و ایرادهای مبانی و نظریه‌های قبلی، نظام‌های حقوقی را بر آن داشت تا متوجه این قاعده بشوند که تولیدکننده را باید قطع نظر از تقصیر، مسئول عیوب کالا قرار دهند.

مراد از مسئولیت محض، مسئولیت بدون اثبات تقصیر است که تولیدکننده و فروشنده اگر تمام احتیاطات لازم را نیز به عمل آورند، باز مسئول شناخته می‌شوند. در زمینه‌هایی مثل تجاوز به حقوق و منافع زیان‌دیده یا بهره‌برداری غیرمجاز از مال دیگری که نیاز به اثبات تقصیر عامل زیان نیست و عامل زیان مسئول تلقی می‌گردد، می‌گویند مسئولیت محض^{۱۱} وجود دارد (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۸).

این اصطلاح، نمودار مسئولیتی است که به حکم قانون و بر پایه مصلحت و تدبیر ایجاد می‌شود و تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی نیست، به همین دلیل هم آن را «مسئولیت نوعی یا کلی» نامیده‌اند. هدف این مسئولیت، تحمیل ضمان به نتیجه فعل است، نه کیفیت آن؛ با این بیان که اگر در قواعد عمومی فعل زیان‌بار سبب ضمان می‌شود و مهم‌ترین مسئله آن احراز فعلی ناروا و انتساب آن به مسئول است، این مبنا به نتیجه کار شخص توجه دارد و نتیجه ناگوار و مضر، برای ایجاد مسئولیت کافی است. برای مثال، اگر ماشین ظرفشویی عرضه‌شده به بازار زیانی به‌بار آورد، این نتیجه خودبه‌خود برای تولیدکننده ایجاد مسئولیت می‌کند؛ خواه عیب سبب ضمان منسوب به تقصیر او باشد یا ناخواسته در جریان تولید حادث شود. درواقع، این ضمان چهره حمایتی دارد تا هیچ حق قابل احترامی از بین نرود (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۳۳). بر همین اساس است که این حقوق‌دانان بر این نکته تأکید دارند که باید پذیرفت که میان مبانی مسئولیت محض و قاعده لاضرر، که تکیه بر نفی ضرر دارد، و نظریه تضمین حق و تحمیل تعهد به مواظبت بر دارنده کالا در حقوق فرانسه، قرابت و مشابهتی انکارناپذیر وجود دارد.^{۱۲}

11. Strict liability

۱۲. ر.ک. ناصر کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد، ش ۵۵ و ۶۴ و ۷۸ به بعد و ۳۱۹.

برخی از حقوق دانان بر این اعتقادند که مسئولیت محض و مسئولیت مطلق^{۱۳} با یکدیگر متفاوتند و افزون بر اینکه از نظر لفظی واژه «محض» مفهوم واقعی «Strict» را بهتر بیان می‌کند، مسئولیت مطلق آخرین درجه سختگیری است و نشانه رهایی از هرگونه قیدی است؛ درحالی که مسئولیت محض در مصداق‌هایی به کار می‌رود که برای مسئول، عذرهای دفاعی کم‌وبیش وجود دارد و مسئولیت مطلق نیست. برای مثال در مسئولیت محض رابطه سببیت میان عیب کالا و ورود ضرر وجود دارد، درحالی که مسئولیت مطلق چنین قیدی ندارد؛ همانند ضمان غاصب در تلف مال مغضوب، زیرا غاصب مسئول تلف یا هر عیب و نقصی است که در عین مغضوب یا منافع آن ایجاد شود، هرچند که تلف مستند به فعل او نباشد^{۱۴} (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۳). به‌هرحال، باید توجه داشت که نسبی بودن مفهوم مسئولیت محض در هر نظام متفاوت است، ولی در همه نظام‌ها سقف دارد و مانند مسئولیت مطلق بدون قید نیست.

در مسئولیت محض، کافی است خواهان ثابت کند که کالای عرضه‌شده عیبی داشته که ضرر از آن برخاسته است، یا نقص اطلاعات و هشدارهای ضروری به‌گونه‌ای مؤثر بوده که کالای سالم را معیوب و خطرناک کرده است. عذر بی‌تقصیری و ناآگاهی از خود عیب و حتی بی‌مبالاتی قابل پیش‌بینی خواهان از بار این مسئولیت نمی‌کاهد و تنها انتساب ورود ضرر به قوه قاهره می‌تواند خواننده را از نتیجه به‌بار آمده مبرا کند. این تئوری راه‌حلی است برای مصرف‌کنندگانی که نمی‌توانند خود را در برابر حجم عظیم کالاها محافظت نمایند.

به عبارت دقیق‌تر، پذیرش مسئولیت محض به معنی نفی ضرورت اثبات تقصیر یا تضمین سلامت کالا و یا رابطه قراردادی است. در این نوع از مسئولیت، به عملکرد تولیدکننده اعتراض نمی‌شود تا نیاز به اثبات تقصیر داشته باشد، بلکه در مسئولیت محض خود کالای معیوب مورد نظر قرار می‌گیرد، حتی مسئولیت محض تولیدکننده به دلیل تبلیغاتشان در خصوص کالا نیست، بلکه به دلیل وجود کالا در بازار است (جعفری‌تبار، ۱۳۷۵، ص ۴۲).

قانون، مسئولیت محض را مقرر می‌کند و بدون قانون مسئولیت محض محقق نمی‌شود. مسئولیت محض در موضوعاتی کاربرد دارد که رویه قضایی یا قانون‌گذار بتواند با توسل به آن بی‌عدالتی را جبران نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۷ الف، ص ۳۳۹). به همین دلیل

13. Absolute liability

۱۴. ماده ۳۱۵ ق.م.

است که این نوع مسئولیت را مسئولیت استثنایی در نظر گرفته و بر این باورند که باید در شرایط خاصی به اجرا گذاشته، و به‌طور مضیق تفسیر شود (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷، ص ۲۹۴).

این مسئولیت در حقوق امریکا و انگلیس برای حمایت از منافع اجتماعی در موضوعاتی همچون ضمان ناشی از نگهداری حیوانات وحشی، ضمان مالکان، ضمان قراردادهای صنعتی و ضمان ناشی از محصولات غذایی اعمال می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۲۳۱). در حقیقت، مسئولیت محض از نظر تاریخی از رویه قضایی دادگاه امریکا شروع شد و در سال ۱۹۸۰م به اتحادیه اروپا سرایت کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۷ الف، ص ۳۳۵). این نظریه به‌طور گسترده در انگلیس و نیز در قانون جدید آلمان پذیرفته شده است، ولی در دولت فرانسه بر اساس اصول‌گرایی با این تحمیل مخالفت شد و قانون‌گذاری خاصی در این باره انجام نشد و در نتیجه با رجوع و پیروی از قوانین عمومی مسئولیت مدنی، زیان‌دیده موظف است تقصیر تولیدکننده‌ای را که با وی رابطه قراردادی ندارد به اثبات برساند، اما تلاش‌هایی برای پذیرش این نوع مسئولیت در فرانسه انجام شده است (جعفری‌تبار، ۱۳۷۵، ص ۴۵). حتی برخی از حقوق‌دانان فرانسوی نیز تحت تأثیر مبانی جدید در مسئولیت مدنی که تأکید بیشتری بر اصل جبران خسارت دارد، نقش تقصیر در مسئولیت را تقریباً نادیده می‌انگارند و شرایط مسئولیت مدنی را منحصر به زیان و رابطه سببیت دانسته‌اند (مبین، ۱۳۸۷، ص ۱۵۶). در قانون مسئولیت ناشی از عیب تولید سوئیس نیز مسئولیت محض برای تولیدکننده در نظر گرفته شده است (صادقی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۴-۱۷۵).

در زمینه توضیح مبانی مسئولیت محض در خصوص خسارات ناشی از عیب تولید، عده‌ای از حقوق‌دانان بر این باورند که این مسئولیت لزوماً مسئولیت بدون تقصیر نیست و سایه‌ای از نظریه تقصیر را می‌توان در این مبنا احساس کرد. این عده این‌گونه استدلال می‌کنند که وجود عیب، خواه ناشی از نقص هشدارهای ضروری باشد یا فقدان وصفی که لازمه استفاده متعارف از کالا است، حکایت از ارتکاب تقصیری در چرخه تولید دارد؛ وگرنه عیب به‌شمار نمی‌آید و ممکن است انتساب این خطا به هیچ‌یک از عوامل سازنده و عرضه‌کننده کالای معیوب اثبات نشود، ولی به اجمال مشخص است که خطایی رخ داده است، در نتیجه این تقصیر، که آن را «تقصیر سازمانی» می‌نامند، سبب مسئولیت گروه تولیدی آن کالا می‌شود. این عده در مقابل، مسئولیت تضامنی را در میان تمام کسانی که در معرض این اتهام قرار گرفته‌اند، پیشنهاد داده‌اند. این ضمانت

اجرا نیز به این علت است که مرتکب تقصیر سازمانی به تفصیل معلوم نیست و تنها به اجمال مشخص است که درون سازمان تولید رخ داده است، چراکه عیب محصول زاده خطای این چرخه است؛ هرچند که محل دقیق آن معلوم نباشد (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۸۸-۱۸۷).

به نظر می‌رسد، این دیدگاه با وجود فوایدی که در احقاق حق زیان دیده ایجاد می‌کند، بی‌عیب نیست و اینکه جمعی بی‌گناه را مسئول قلمداد می‌نماید، دارای اشکال است. در تمام نظام‌هایی که مسئولیت محض را پذیرفته‌اند، آثار مسئولیت محض در زمینه‌های گوناگون یکسان نیست، بلکه یا سقفی برای مسئولیت قائل شده‌اند یا مسئولیت را به ضررهای بدنی و مالی اختصاص داده‌اند و منافع از دست رفته را تابع مسئولیت محض نمی‌دانند. به عبارت دیگر، مسئولیت محض یک امر استثنایی است و باید دید قانون‌گذار آن را مربوط به چه می‌داند. برای مثال، احتمال دارد مسئولیت دارنده اتومبیل با مسئولیت ناشی از عیب تولید متفاوت باشد، یا در کشوری این مسئولیت منافع اقتصادی تلف‌شده را دربر نگیرد و در کشور دیگر شامل این منافع نیز بشود.

۴.۲. نظر مرجع: ایتنای مسئولیت بر نظریه "مسئولیت محض"

پس از بررسی ماهیت و دلایل مبنای مختلف قابل طرح در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از عیب فراورده‌های تراریخته در حقوق ایران، به دلایل عقلی و شواهد قانونی، نظریه اخیر قابل تأیید است. اشاره به چند دلیل مهم این قضاوت کافی به نظر می‌رسد:

الف) مرتبط‌ترین و عمومی‌ترین قانونی که راجع به مسئولیت ناشی از عیب تولید در حقوق ایران وجود دارد، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان است؛ قانونی که پس از سالیان دراز انتظار سرانجام در مهرماه ۱۳۸۸ به تصویب رسید و تکالیف و مسئولیت‌های تازه‌ای را برای عرضه‌کنندگان کالا و خدمات پیش‌بینی نمود. هرچند این قانون به صراحت به مبنا و دامنه مسئولیت تولیدکنندگان اشاره نکرده، اما عملاً تکلیف موضوع به‌روشنی قابل برداشت است.

مواد ۲، ۱۶ و ۱۸ قانون یادشده، عرضه‌کنندگان کالا و خدمات را مسئول عیب و زیان‌های ناشی از ارائه خدمات معیوب می‌داند. طبق مقررات قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، صرف وجود رابطه سببیت میان زیان وارده و عیب کالا برای تحقق مسئولیت عرضه‌کننده کالا کفایت می‌کند و زیان دیده کافی است ثابت نماید که زیان بر

اثر عیبی بوده که در محصول وجود داشته است؛ به طوری که اگر آن عیب نبود، زیان به شکل کنونی وارد نمی‌شد و در صورت تردید در خصوص وجود این رابطه باید گزینه‌ای انتخاب شود که در راستای حمایت از زیان‌دیده باشد.

بر اساس ماده ۱۶ قانون یادشده: «مسئولیت جبران خسارات وارده به مصرف‌کننده با تشخیص مرجع رسیدگی‌کننده به عهده شخص حقیقی یا حقوقی اعم از خصوصی و دولتی می‌باشد که موجب ورود خسارت و اضرار به مصرف‌کننده شده است».

ممکن است این تلقی به وجود آید که شاید مقصود قانون‌گذار از عبارت «موجب خسارات وارده به مصرف‌کننده شده»، همان عنصر تقصیر بوده است. این برداشت با توجه به مواد ۲ و ۱۸ مردود است. در ماده ۱۸ همین قانون آمده است: «چنانچه کالا یا خدمات عرضه‌شده توسط عرضه‌کنندگان کالا یا خدمات معیوب باشد و به واسطه آن عیب، خساراتی به مصرف‌کننده وارد گردد متخلف علاوه بر جبران خسارات به پرداخت جزای نقدی حداکثر تا معادل چهار برابر خسارت محکوم خواهد شد». بر اساس این مقرر، منتسب بودن خسارت به تولیدکننده کافی تلقی شده، به وجود عنصر تقصیر اعتنایی نشده است.

اکتفای قانون‌گذار به وجود رابطه سببیت برای مسئولیت مدنی تولیدکننده در ماده ۲ نیز تاکید شده است: «...چنانچه خسارات وارده ناشی از عیب یا عدم کیفیت باشد و عرضه‌کنندگان بر آن آگاهی داشته باشند علاوه بر جبران خسارت به مجازات مقرر در این قانون محکوم خواهند شد»

بنابراین، سختی اثبات تقصیر برای مصرف‌کنندگان کالاها، وسعت خسارات ناشی از عیب تولید و دلایلی از این دست، قانون‌گذار ایران را نیز همانند بسیاری از کشورها به طراحی نظامی خاص از مسئولیت مدنی هدایت کرده است. دلایلی که در خصوص محصولات تراریخته، با وسعت و عمق بیشتری قابل مشاهده‌اند و به‌طور طبیعی خسارت‌دیدگان ناشی از تولید این نوع محصولات، در اولویت استفاده از نظام خاص مسئولیتی یادشده خواهند بود.

ب) هرچند وجود مقررۀ عمومی یادشده در خصوص خسارات ناشی از عیب تولید برای اثبات استثنایی بودن مسئولیت ناشی از آن کافی است، اما یادآوری این نکته خالی از فایده نیست که مسئولیت محض ناشی از عیب تولید محصولات معیوب که عملاً باعث ورود زیان به مصرف‌کننده‌اند، منحصر به این قانون نبوده، در قوانینی دیگر در خصوص محصولات خطرناک همچون تولید دارو و لوازم آرایشی و بهداشتی و خودرو نیز تکرار

شده‌اند. برای نمونه، در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مصوب تیر ۱۳۸۶، در ماده ۳، افزون بر اینکه رفع هر نوع عیب خودرو را برعهده عرضه‌کننده گذاشته، جبران کلیه خسارات ناشی از این عیوب نیز جزء تعهدات وی قلمداد شده است؛ بی‌آنکه در این ماده و دیگر مواد یازده‌گانه این قانون، حتی یک بار اشاره‌ای به ضرورت وجود یا اثبات تقصیر از ناحیه مصرف‌کننده شده باشد.

ج) همچنان‌که پیش‌تر اشاره شد، پروتکل الحاقی ناگویا_ کوالالامپور از سوی جمهوری اسلامی ایران به امضا رسیده، هرچند وارد فاز اجرایی نشده است. روند طبیعی مسئله اقتضا دارد، قانون‌گذار ضمن احترام به پیمان‌های بین‌المللی منعقد شده، قوانین داخلی خود را نیز با آنها هماهنگ سازد. اگرچه اشاره به یکی دو قانون مرتبط نشان داد که قانون‌گذار بنا به نیازهای اجتماعی داخلی به‌طور عمومی وارد این حوزه شده و مسئولیت محض را در قلمرو گسترده‌ای پیش‌بینی کرده است، با این‌همه، اگر هنوز در اذهان برخی تردیدی در ضرورت وضع چنین نظامی باقی باشد، نوع مسئولیت پیش‌بینی شده در این پروتکل دلیلی بر صحت سمت و سوی حرکتی مسئولیت مدنی در قلمروهای مشابه است.

د) افزون بر آنچه گفته شد، نگاه کارکردگرایانه به مسئولیت مدنی، مؤید ترجیح مسئولیت محض تولیدکنندگان این نوع محصولات است. در این زمینه می‌توان به دلایل و مزایای زیر اشاره کرد:

- جبران خسارت از راه توزیع آن. عادلانه و انسانی این است که خسارات به‌بار آمده از سوی این نوع کالاها، میان مصرف‌کنندگان توزیع و جبران شود. این مقصود نیز با تحمیل خسارت بر تولیدکنندگان به‌دست می‌آید، زیرا آنان را ناچار می‌سازد که چندان بر بهای محصول اضافه کنند که برای بهای خسارت‌ها کافی باشد. چراکه تولیدکننده وادار می‌شود که کالای خود را بیمه کرده، حق بیمه را از طریق افزایش قیمت کالا از مصرف‌کننده بگیرد و سرانجام مصرف‌کننده عهده‌دار جبران خسارت ناشی از تولید می‌شود.

- پرهیز از خطر و افزایش مرغوبیت کالا. مسئولیت مدنی ارزش تمام‌شده کالا را بالا می‌برد و رقابت فشرده باعث می‌شود که تولیدکننده از بهای کالا بکاهد و نتواند به همان نسبت قیمت را افزایش دهد. در نتیجه، تحمیل مسئولیت بر تولیدکننده باعث می‌شود که او بکوشد کالای سالم‌تری به بازار عرضه کند. همچنین از لحاظ نظری، مبنای مسئولیت محض نیروی بازدارنده قوی‌تری است نسبت به مبنا و

نظریه تقصیر؛ چراکه مبنای مسئولیت محض باعث می‌شود که تولیدکننده کالا را با کمترین قیمت و با مرغوبیت کامل به بازار عرضه نماید، زیرا هرچه کالا مرغوب‌تر باشد، مسئولیت او کمتر می‌شود.

- سهولت امکان اثبات. در بیشتر مواقع، تولید محصول معیوب همراه با تقصیر تولیدکننده است، ولی پیچیدگی شبکه طرح و تولید و دسترسی مؤسسه‌های بزرگ اقتصادی به انواع ابزارهای اطلاعاتی مانع از اثبات این تقصیر است. مسئولیت محض تولیدکننده این مانع را از بین می‌برد و زیان‌دیده را از این شرط معاف می‌کند. مهم‌ترین امتیاز مسئولیت محض بر دادرسی مبتنی بر تقصیر، در آسان شدن اثبات ارکان دعواست.

- حمایت از انتظارات مصرف‌کننده و جلوگیری از شرط خلاف مسئولیت. از مصرف‌کننده باید در برابر خطر ناشی از عیوب ناشناخته محصول حمایت شود. این حمایت به‌ویژه در حالتی ضروری است که مصرف‌کننده به تبلیغات تولیدکننده اعتماد می‌کند و انتظار دارد محصولی بی‌خطر و مرغوب داشته باشد. در این حال، مزیت مسئولیت محض این است که نقش قرارداد در آن کم‌رنگ‌تر است و به استناد شرط مخالف نمی‌توان از مسئولیت گریخت، و این‌گونه از انتظارات مصرف‌کننده بیشتر حمایت می‌شود.

- کاهش دعاوی در دادگاه‌ها. برای توزیع عادلانه مسئولیت، سیاست حقوقی باید به‌گونه‌ای طرح شود که هم بر شمار دعاوی نیفزاید و هم قابل پیش‌بینی باشد. درست است که اگر هر خریدار به فروشنده مستقیم خود رجوع کند و از او مطالبه خسارت نماید، سرانجام ضمان برعهده تولیدکننده استقرار می‌یابد، ولی مستلزم طرح چندین دعوا و برخورد با مشکلات گوناگون، و از جمله اعسار خوانده است. پس بهتر آن است که مسئولیت از آغاز بر تولیدکننده تحمیل شود. همچنین، فرض بر این است که تولیدکننده اصلی توان کافی برای پیش‌بینی خسارات احتمالی کالا و پرهیز از آن را دارد، درحالی که دیگران تنها واسطه و عامل فروش می‌باشند (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۸۳).

نتیجه

محصولات تراریخته به صورت بالقوه ظرفیت فراوانی در ایجاد خسارت جانی و مالی دارند؛ خسارتی که هم می‌تواند اشخاص و هم محیط زیست را هدف قرار دهد.

با این همه، همچنان که در آغاز بحث بیان شد، مسئولیت ناشی از زیان به محیط زیست، دارای ماهیتی متفاوت و ناهمگون نسبت به خسارات وارد به اشخاص است، به گونه‌ای که جای دادن آن در شمار مسئولیت‌های مدنی به دشواری ممکن است. به همین دلیل نیز در مطالب مطروحه، صرفاً مسئولیت مدنی ناشی از ورود خسارات به اشخاص بحث شده است. اما در اینجا برای روشن شدن موضع جامع نظام حقوقی ایران نسبت به زیان‌های محصولات تراریخته، به رویکرد جبرانی ضررهای وارد به محیط زیست نیز اشاره خواهد شد:

الف) بر اساس پروتکل ایمنی_ زیستی کارتا هنا و پروتکل الحاقی ناگویا_ کوالا امپور، ضمن تأکید بر تهیه و تدوین قواعد و روش‌های مسئولیت ناشی از نقل و انتقال برون مرزی محصولات تراریخته، عملاً پیش‌بینی مسئولیت محض برای این نوع محصولات توصیه شده است؛ مسئولیتی که صرفاً نیازمند اثبات ورود زیان به دلیل استفاده از این محصولات است، بی‌آنکه نیازمند اثبات تقصیر تولیدکننده باشد و بی‌آنکه اثبات رعایت احتیاطات کافی و کامل تولیدکنندگان بتواند رافع مسئولیت ایشان در قبال تکالیفشان به جبران خسارات گردد.

ب) در حقوق داخلی، توجیه قراردادی چنین مسئولیتی به هیچ‌روی کافی نیست. مسئولیت قراردادی ضمن آنکه برای توجیه این مسئولیت با تکلف همراه است، همه خسارات را نمی‌تواند پوشش دهد. افزون‌براین، نسبت به خریداران غیرمستقیم، به‌ویژه زیان‌دیدگان، مصرف‌کننده‌ای که در چرخه عقد قرار نمی‌گیرد، ناکارآمدتر و غیرقابل توجیه‌تر است. همچنین در صورت توافق بر اسقاط آن ممکن است عملاً به خلع سلاح زیان‌دیده بینجامد.

ج) از میان مبانی سه‌گانه قابل طرح به‌عنوان مبنای توجیه‌کننده مسئولیت قهری تولیدکنندگان محصولات تراریخته در حقوق داخلی، نظریه «تقصیر» به فرض آنکه مبنای اصلی مسئولیت در حقوق داخلی تلقی شود، در این خصوص پاسخگوی نیازها نیست. دشواری نزدیک به محال اثبات تقصیر در اکثر قریب‌به‌اتفاق این نوع زیان‌ها، پاشنه آشیل بهره‌گیری از نظریه عمومی تقصیر در این مصداق است.

نظریه «استناد عرفی» نظریه‌ای است که تا حد زیادی نیازهای این حوزه را برطرف، و خسارات زیان‌دیده را بی‌آنکه نیازمند اثبات تقصیر باشد رفع می‌کند. این دیدگاه افزون‌بر آنکه با نیازهای روز بیشتر سازگار است، پشتوانه قوی فقه اسلامی را نیز به‌همراه دارد؛ ضمن آنکه سمت و سوی حرکت مسئولیت مدنی در بیشتر کشورها تأییدی بر

صحت آن است. باین‌همه، این دیدگاه نیز گاه عملاً با ناکارآمدی نظریه تقصیر روبروست. با اینکه بر اساس این نظریه، صرف انتساب زیان به عامل تولید کافی است و احتیاجی به عنصر مستقل تقصیر نیست، اما از آنجا که در مصادیق «تسبیب»، عرفاً انتساب با تقصیر ملازمه پیدا می‌کند، این نظریه نیز دوباره به همان نقطه‌ای می‌رسد که همه تلاش‌ها برای فرار از آن بوده است.

د) مسئولیت محض که نوعی مسئولیت مدنی استثنایی است، ضمن به‌همراه داشتن نتایجی که انتظار آن را داشته‌ایم، توجیه‌های قانونی و عقلی کافی را با خود دارد. پذیرش مسئولیت محض تولیدکنندگان کالاها، معیوب در قانون عمومی «حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان» و قوانین خاصی مانند «قانون امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی» تأیید قانونی این مطلب است. دلایل و آثار مثبتی همچون توزیع عمومی مسئولیت، افزایش مرغوبیت کالاها، امکان آسان اثبات مسئولیت و تحقق خواسته مصرف‌کنندگان و کاهش دعاوی مرتبط نیز از عوامل عقلی است که نظام‌های مختلف حقوقی و قانون‌گذارانی همچون مقنن ایرانی را به دنبال خود کشیده، به طرحی نو در انداختن در مسئولیت تولیدکنندگان واداشته است. هرچند عده‌ای تلاش دارند این مسئولیت خاص را «مسئولیت ناشی از عیب تولید» نام‌گذاری کنند (عبدی‌پور و پرتو، ۱۳۹۰، ص ۴۸)، اما با توجه به انطباق دقیق آن با مفهوم مسئولیت محض، نیازی به تعیین عنوان خاصی برای این مبنا احساس نمی‌شود.

ه) خسارات زیست‌محیطی بخش دیگری از نتایج ناخوشایند فرآورده‌های تراریخته‌اند. در اینکه بتوان خسارات زیست‌محیطی را در قالب مسئولیت‌های مدنی سنتی مطالبه نمود، تردیدهای جدی وجود دارد؛ مگر اینکه از حق برخورداری از محیط زیست سالم و پاکیزه به‌عنوان یک حق بنیادین یاد شود و هر نوع خسارت بر آن لطمه بر حق امنیت انسان‌ها تلقی گردد (Flour, Aubert, 2003, p.76). این‌گونه ضررها، با شکل سنتی ضرر که این‌گونه تعریف شده است: «نقصی در اموال یا منافع مسلم یا لطمه‌ای بر سلامت و حیثیت» سازگاری کاملی ندارند. باین‌همه، چنان نیست که نتوان این خسارات را به‌هیچ‌وجه با ضوابط سنتی تطبیق داد. می‌توان حق برخورداری از محیط زیست سالم را به‌عنوان یکی از حقوق اساسی و بنیادین افراد تلقی نمود (اصل پنجاهم قانون اساسی) و به استناد ماده اول قانون مسئولیت مدنی که مقرر می‌دارد: «...یا هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده ...» قابل مطالبه دانست (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷، ص ۲۸۹). با وجود این، چون تلقی عمومی از مبنای مسئولیت

مدنی در حقوق ایران، مسئولیت مبتنی بر تقصیر است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۳۳۴)، پذیرش آن افزون بر ناکارآمدی در ارزیابی خسارات زیست‌محیطی و جبران آن، با اصول کلی حمایت از محیط زیست در سطح جهان نیز مغایر خواهد بود. در مسئولیت مدنی سنتی، هدف، جبران خسارت زیان‌دیده و برگرداندن او به حالت نخستین است، یعنی مسئولیتی ناظر به گذشته، در حالی که امروزه در مسئولیت زیست‌محیطی، هدف اصلی پیشگیری است و هدفی رو به آینده دارد. امروزه در شرایطی که خطر وقوع خسارت‌های سنگین و غیرقابل جبران وجود دارد، پاره‌ای از حقوق‌دانان با استفاده از اندیشه‌های جدید فلسفی، شناسایی نوع جدیدی از مسئولیت موسوم به «مسئولیت پیشگیری» را ضروری دانسته‌اند (Flour, Aubert, 2003, p.78). بر همین اساس در بسیاری کشورها همچون آلمان، ایتالیا، هلند، اسپانیا، فنلاند و انگلستان، برای جبران این نوع خسارات، مسئولیتی جدا از مسئولیت عمومی مدنی شکل گرفته است. کمیسیون اروپا نیز در اولین سند خود که در سال ۱۹۹۳م در این خصوص منتشر کرد، هدف اصلی از دستورالعمل جبران خسارات زیست‌محیطی را اجرای اصلی به نام «آلوده‌کننده باید پردازد» دانست (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷، ص ۲۸۷) و سرانجام مسئولیت محض خسارت‌زندگان به محیط زیست در سال ۲۰۰۴م به تصویب پارلمان و شورای اروپا رسید.

اما در حقوق داخلی، در دکترین موجود، اجماعی در عدم کفایت قواعد عمومی مسئولیت در این حوزه شکل گرفته است؛ اجماعی که معتقد به جدایی ماهیت ضررهای شخصی از زیان‌های زیست‌محیطی و ضرورت جبران همیشگی این نوع ضررهاست، ولی آنچه متفاوت است مبنای توجیه‌کننده این مسئولیت است. در دیدگاه‌های ارائه‌شده نخستین، برخی از حقوق‌دانان نظریه خطر را عامل توجیه‌کننده معرفی کرده‌اند (غمامی، ۱۳۷۷، ص ۵۹)، اما عده‌ای دیگر تلاش کرده‌اند یا با استناد به نصوص پراکنده فقهی که در مجموع از دیدگاه ایشان از مسئولیت بی‌قیدوشرط در حوزه‌های عمومی حکایت دارد (بهرامی و فهیمی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳) و یا با استناد به قاعده فقهی احترام اموال که اعم از دو قاعده اتلاف و لاضرر است، مسئولیت محض را در حمایت حداکثری از محیط زیست بپذیرند (فقیهی و مشهدی، ۱۳۹۰، ص ۳۲۴). گروهی نیز نیازهای روزافزون اجتماعی را برای طراحی نظام استثنایی مسئولیتی در این زمینه کافی دانسته، معتقد به وضع نظام مسئولیت محض از سوی قانون‌گذار شده‌اند (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷، ص ۲۹۳).

در قوانین داخلی نیز نخست تلاش شده است با اعمال مسئولیت کیفری از ورود

خسارات پیشگیری شود. قانون حمایت از محیط زیست مصوب خردادماه ۱۳۵۳ از نمونه‌های اصلی این رویکرد است که جریمه نقدی را سرلوحه برخورد‌های خود قرار داده است. در مهم‌ترین قوانین بعد از انقلاب اسلامی، مواد مرتبط قانون مجازات اسلامی نمونه این نوع برخورد است. در مواد ۶۸۸ و ۶۸۹ این قانون برای آلوده‌کنندگان و زیان‌زندگان به محیط زیست، افزون بر جبران خسارت، حبس پیش‌بینی شده است. اما به تدریج نظام تقنینی کشور نیز در یک پیشرفت هماهنگ با رویکرد جهانی و دکتربین حقوقی داخلی و مسئولیت مدنی این نوع محصولات، به سوی مسئولیت محض حرکت کرده است. اکنون خسارات زیست‌محیطی محصولات تراریخته را می‌توان تکلیف تولیدکنندگان یاد شده دانست؛ بی‌آنکه نیازی به اثبات تقصیر یا بی‌مبالاتی و مهارت نداشتن ایشان وجود داشته باشد، بلکه اثبات احتیاط‌های لازم نیز نمی‌تواند از تکالیف ایشان بکاهد.

بر اساس بند ب تبصره ماده ۸۱ قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه و قوانین مشابه پس از آن، واردکنندگان خسارات زیست‌محیطی ضامن جبران اعمال زیان‌بارشان تلقی شده، دولت مکلف به پیگیری آن‌هاست. همچنین قانون ایمنی-زیستی ایران، در ماده ۶، اشخاص فعال در زمینه فناوری‌های زیستی را در صورت ورود زیان به اشخاص یا زیست‌بوم، به جبران زیان‌های وارده مکلف نموده است؛ بی‌آنکه این مسئولیت افزون‌بر ایجاد خسارت، شرط و شروطی دیگر به همراه داشته باشد. در نتیجه، اهمیت و عمق خسارات احتمالی محصولات تراریخته عملاً حوزه حقوق عمومی و خصوصی را در قلمرو جبران خسارت به هم رسانده و نظامی واحد از مسئولیت را به نمایش گذاشته است.

منابع و مآخذ

۱. امامی، حسن (۱۳۸۷)، *حقوق مدنی*، ج ۱، تهران: انتشارات اسلامی.
۲. ایزانلو، محسن (۱۳۸۶)، *شروط محدودکننده و ساقط‌کننده مسئولیت در قراردادهای*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳. بادینی، حسن (۱۳۸۴)، *فلسفه مسئولیت مدنی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴. باریکلو، علیرضا (۱۳۸۷)، *مسئولیت مدنی*، تهران: میزان.
۵. بزرگمهر، داود (۱۳۸۵)، «مسئولیت مدنی تولیدکنندگان کالا»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۵۴، بهار، ص ۵۸-۳۷.

۶. بهرامی احمدی، حمید و فهیمی، عزیزاله (۱۳۸۶)، «مبنای مسئولیت زیست‌محیطی در فقه و حقوق ایران»، مجله معارف اسلامی و حقوق، سال هشتم، شماره دوم (پاییز و زمستان)، ص ۱۵۰-۱۲۱.
۷. جعفری‌تبار، حسن (۱۳۷۵)، مسئولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا، تهران: نشر دادگستر.
۸. حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۷)، مبنای مالکیت فکری، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. داراب‌پور، مهرباب (۱۳۸۹)، «مسئولیت مدنی بین‌المللی دولت‌ها در پروتکل ایمنی زیستی کارتاژینا»، پژوهشنامه حقوقی، سال اول، شماره اول (پاییز)، ص ۷۱-۴۱.
۱۰. شجاع‌الساداتی، سید عباس و هاشمی، مریم (۱۳۸۹)، «مواد غذایی اصلاح‌شده ژنتیکی: فرصت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه علوم و صنایع غذایی، دوره ۷، شماره ۱، ص ۱۰۲-۸۹.
۱۱. صادقی، محسن، (۱۳۸۶)، «مسئولیت ناشی از کالای معیوب: مطالعه تطبیقی در حقوق سوئیس و ایران»، فصلنامه پژوهشگاه بازرگانی، شماره ۴۴ (پاییز)، ص ۱۹۴-۱۶۵.
۱۲. صالحی جوزانی، غلامرضا؛ توحیدفر، مسعود؛ صادقی، اکرم (۱۳۸۹)، ایمنی زیستی محصولات تراریخته، کرج: پژوهشکده بیوتکنولوژی کشاورزی.
۱۳. صفایی، حسین و رحیمی، حبیب‌اله (۱۳۸۹)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران: سمت.
۱۴. صفایی، حسین؛ مهاجر، مینا؛ مهدوی دامغانی، عبدالمجید (۱۳۹۰)، «ملاحظات اخلاقی و حقوقی در کاربرد محصولات تراریخته با نگاهی به قانون ملی ایمنی زیستی»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال ششم، شماره ۱، ص ۳۵-۴۲.
۱۵. عبدی‌پور، ابراهیم و پرتو، حمیدرضا (۱۳۹۰)، «مسئولیت عرضه‌کنندگان کالا و خدمات در قانون حمایت از مصرف‌کنندگان، حرکتی رو به جلو یا بازخوانی قواعد سنتی»، مجله حقوق تطبیقی، دوره ۸۵، شماره اول، ص ۵۶-۳۷.
۱۶. غمامی، مجید (۱۳۷۷)، مسئولیت مدنی ناشی از سوءاستفاده از منابع طبیعی، جنگل و مراتع، دوره اول، شماره ۴۱، زمستان.
۱۷. فهیمی، عزیزاله و مشهدی، علی (۱۳۹۰)، فقه شیعه و تحول در مبنای مسئولیت مدنی زیست‌محیطی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۱، بهار، ص ۳۲۶-۳۱۳.
۱۸. قره‌باغی، بهزاد؛ متقی، آرزو؛ ویشلق، ندا؛ راشدی، حمید (۱۳۸۹)، «ایمنی زیستی در مقررات بین‌المللی»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ص ۱۳۱-۱۴.
۱۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)، ضمان قهری، ج ۱، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، حقوق مدنی: الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، ج ۱، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷ الف)، «محدودیت‌های آزادی قراردادی بر مبنای حمایت از مصرف‌کننده»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۳ (پاییز)، ص ۳۲۷-۳۴۲.

۲۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷ب)، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹)، الزام‌های خارج از قرارداد «قواعد عمومی»، ج ۱، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، فلسفه حقوق، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۵. کاتوزیان، ناصر و انصاری، مهدی (۱۳۸۷)، «مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست محیطی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲ (تابستان)، ص ۳۱۴-۲۸۵.
۲۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴)، مسئولیت ناشی از عیب تولید، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷ج)، حقوق مدنی (معاملات معوض و عقود تملیکی)، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۸. مبین، حجت (۱۳۸۷)، نظریه «قابلیت استناد» به عنوان مبنای مسئولیت مدنی در فقه امامیه و حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق(ع).
۲۹. مصطفوی، مصطفی (۱۳۸۹)، تقریرات درس مسئولیت مدنی، دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، نیمسال اول سال تحصیلی، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
30. Anne Mitchell, (2004), **Canadian Institute for Environmental Law and Policy**, Toronto.
31. flour(Jacques) , luc Aubert (jeansavaux(Eric)), (2003), **Les obligation**, Le fait juridique, Armand Collin.
32. Hug K. (2008), **Genetically modified organisms: do the benefits outweigh the risks?** Medicina (Kaunas) 44(2), pp.87-99.
33. James, Clive, (2009), **Global Status of Commercialized Biotech/GM Crops**, ISAAA Brief No. 41, ISAAA: Ithaca, NY.
34. Jones, Adam W. Wath .(2002), **liability of growing geneticcally engineered crops?**, Drake Journal of Agricultural Law
35. Lemaux PG, (2008), **Genetically engineered plants and foods: A scientist's analysis of the issues** (Part I). Annual.
36. Repp ,Richard A, (2000), **Biotech Pollution: Assessing Liability For Genetically Modified Crop Production and Genetic Drift**, University of Idaho College of Law, 36, pp.585-620.
37. Rich ,Matthew, (2004), **The Debate Over Genetically Modified Crops in the United States: Reassessment of Notions of Harm, Difference, and Choice**, Case Western Reserve University
38. Uzogara S.G, (2000), **The impact of genetic modification of human foods in the 21st century: A review**. Biotechnology advance, pp.179-206.